

نقش تمایلات دگر آزارانه معمول و لذت از بداقبالی دیگران در پیش‌بینی باورهای خصومت‌آمیز مردان علیه زنان

شیما بهدانی

کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی، واحد بیرجند، دانشگاه آزاد اسلامی، بیرجند، ایران

قاسم آهی*

استادیار گروه روان‌شناسی، واحد بیرجند، دانشگاه آزاد اسلامی، بیرجند، ایران

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی نقش تمایلات دگرآزارانه معمول و لذت از بداقبالی دیگران در پیش‌بینی باورهای خصومت‌آمیز مردان علیه زنان انجام شد. در یک مطالعه توصیفی-همبستگی از بین کلیه دانشجویان پسر متأهل دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بیرجند و دانشگاه بیرجند در سال تحصیلی ۹۷-۱۳۹۶ به روش نمونه‌گیری در دسترس ۳۵۶ نفر انتخاب شدند. ابزارهای پژوهش شامل پرسشنامه لذت از بداقبالی دیگران (۵ آیتم)، مقیاس تمایلات آزارگرانه (۱۸ آیتم) و پرسشنامه باورهای خصومت‌آمیز علیه زنان (۱۰ آیتم) بود. داده‌ها با کمک نرم‌افزار SPSS-22 و با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چندگانه تحلیل شد. یافته‌ها نشان داد که بین تمایلات دگرآزارانه معمول و لذت از بداقبالی دیگران با باورهای خصومت‌آمیز مردان علیه زنان رابطه وجود دارد. بیشترین مقدار همبستگی بین آزارگری فیزیکی و آزارگری مشاهده‌ای ($p < 0/01$) و کمترین مقدار همبستگی بین آزارگری فیزیکی و لذت از بداقبالی دیگران مشاهده شد ($p < 0/01$). به‌علاوه یافته‌ها نشان داد که آزارگری فیزیکی و آزارگری کلامی روی هم ۱۹ درصد از واریانس باورهای خصومت‌آمیز را تبیین می‌کنند ($R \text{ Square} = 0/16$). یافته‌های پژوهش حاضر نشان‌دهنده نقش تمایلات دگرآزارانه معمول و لذت از بداقبالی دیگران در پیش‌بینی باورهای خصومت‌آمیز مردان علیه زنان است؛ بنابراین، در نظر گرفتن نقش این متغیرهای پیش‌بین توسط متخصصان، درمانگران و

* نویسنده مسئول: Ahigh1356@yahoo.com

** مقاله حاضر مستخرج از پایان‌نامه خانم شیما بهدانی است.

تاریخ پذیرش: ۱۹-۹-۱۳۹۷

تاریخ ارسال: ۱۳-۵-۱۳۹۷

برنامه‌ریزان به هنگام کار با دانشجویان و به‌طور خاص در مراکز مشاوره‌ای و درمانی ضروری به نظر می‌رسد.

واژگان کلیدی

باورهای خصومت‌آمیز مردان علیه زنان، تمایلات دگرآزارانه معمول، لذت از بداقبالی دیگران

مقدمه

در طی ۳۰ سال گذشته، پژوهش‌های زیادی درباره‌ی شناسایی عوامل تأثیرگذار بر خشونت مردانه علیه زنان انجام شده است. این پژوهش‌ها، یکی از عوامل خطرزای مرتبط با خشونت مردانه علیه زنان را خصومت نسبت به زنان دانسته‌اند (گالاگر و پاروت^۱، ۲۰۱۱). کاون و میلز^۲ (۲۰۰۴) معتقدند اگرچه در دو دهه‌ی گذشته خصومت مردان علیه زنان مورد غفلت واقع شده است، اما اکنون این مسأله یک حوزه‌ی خاص و مهم پژوهشی است. خصومت نسبت به زنان که به معنای داشتن نگرش‌های پرخاشگرانه و بدبینانه درباره‌ی زنان است، نظیر اینکه بسیاری از زنان برای پیشرفت کردن، دروغ می‌گویند (راشل و کینگ^۳، ۲۰۱۷)، دو مؤلفه دارد. مؤلفه‌ی اول شامل احساسات خصمانه، بدگمانی و عدم اطمینان نسبت به زنان است که با نگرش‌های زن‌گريزانه نظیر این باور مشخص می‌شود که قربانیان تجاوز مایل به قربانی شدن هستند. مؤلفه دوم شامل تمایل به کنترل و تسلط بر زنان است که به تحریک جنسی و لذت بردن از چنین سلطه‌ای بر زنان منجر می‌شود (مالموث^۴، ۲۰۰۷). به‌طور کلی باورهای خصمانه نسبت به زنان، بستری برای شی‌انگاری و بدگمانی نسبت به زنان در نظر گرفته می‌شود (روسکی^۵، ۲۰۱۶) که احتمال وقوع خشونت در روابط زناشویی را افزایش می‌دهند (گیلدنر، کیروان، پیکت^۶ و همکاران، ۲۰۱۸). بسیاری از پژوهش‌های انجام شده در تأیید این دیدگاه نشان داده‌اند که خصومت مردانه نسبت به زنان رابطه‌ی مثبتی با انجام پرخاشگری جنسی و پرخاشگری فیزیکی

1. Gallagher and Parrott
2. Cowan and Mills
3. Russell and King
4. Malamuth
5. Zosky
6. Gildner, Kirwan and Pickett



علیه زنان دارد (گلاگتر و پاروت، ۲۰۱۱). دیگو، دیلیلو و اسکالورا^۱ (۲۰۱۰) نیز گزارش کردند که خصومت نسبت به زنان پیش‌بین خشونت جنسی علیه آن‌ها است. همسو با این یافته‌ها، یافته‌های ویولو-کانتور، دیگو، دیلیلو^۲ و همکاران (۲۰۱۳) نیز نشان داد که خصومت نسبت به زنان با انجام خشونت جنسی رابطه دارد. طبق این الگو مردانگی ارزش محسوب می‌شود و زنان موجوداتی تابع و مطیع در این ساختار مردسالارانه هستند (خاقانی فرد، ۱۳۹۰). با این حال، به‌رغم رابطه آشکاری که میان خصومت و خشونت علیه زنان وجود دارد، عوامل تأثیرگذار بر رشد این نگرش‌ها کمتر بررسی شده است. در راستای تکمیل و پر کردن این شکاف پژوهشی، در این پژوهش نقش تمایلات دگرآزارانه معمول و لذت از بداقبالی دیگران در پیش‌بینی باورهای خصومت‌آمیز مردان علیه زنان بررسی شد.

تمایلات دگرآزارانه معمول سازه‌ای نسبتاً جدید است. افراد دارای آزارگری معمول از ایجاد آسیب برای دیگران لذت می‌برند. به بی‌رحمی تمایل دارند و هدفشان تحقیر دیگران به‌منظور کسب لذت شخصی است (بوکلس، جونز و پلهوس^۳، ۲۰۱۳). آزارگری به‌عنوان صفتی شخصیتی که با تجربه کردن شادی ناشی از بی‌رحمی‌های کوچک در موقعیت‌های عادی و روزمره زندگی تعریف شده است (اومرا، دیویس و هاموند^۴، ۲۰۱۱). هربرت و ویر^۵ (۲۰۱۴) معتقدند که آزارگری در سطوح زیر بالینی در سازه‌های روان‌شناختی نظیر ترجیح مهارپذیری-نظم‌دهی، سلطه‌گری-سلطه‌پذیری و سادومازوخیسم قابل مشاهده است. در بسیاری از پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه تمایلات دگرآزارانه معمول، مشخص شده است که این سازه خشونت تکانشی را بیش‌بینی می‌کند. به‌عنوان مثال، تمایلات دگرآزارانه معمول تنها صفت تاریکی است که با زمان و انرژی صرف شده برای پرخاشگری علیه یک شخص بی‌گناه رابطه دارد (بوکلس و همکاران، ۲۰۱۳). این صفت هم‌چنین پیش‌بینی‌کننده انجام بازی‌های ویدئویی خشن است (گریتمیر و ساگوگلیو^۶، ۲۰۱۷). یافته‌های دیگر نشان می‌دهد که تشخیص آزارگری در متجاوزان جنسی می‌تواند پیش‌بین قدرتمندی برای تمایل دوباره به تجاوز جنسی

1. DeGue, DiLillo and Scalora
2. Vivolo-Kantor, DeGue and DiLillo
3. Buckels, Jones and Paulhus
4. O'Meara, Davies and Hammond
5. Hebert and Weaver
6. Greitemeyer and Sagioglou

و غیرجنسی خشن در این افراد باشد (اهر، اسپیلینگ، هانسمان^۱ و همکاران، ۲۰۱۵). همچنین گزارش شده است که مردانگی خصومت‌آمیز در رابطه میان دل‌بستگی و خشونت جنسی نقش میانجی دارد (نگوئین و پارخیل^۲، ۲۰۱۴). ریدی، زیچنر و سیبرت^۳ (۲۰۱۱) نیز گزارش کردند که آزارگری در رابطه میان جامعه‌ستیزی و پرخاشگری نقش میانجی دارد. یافته‌های دیگر نشان می‌دهد که افراد آزارگر اشتیاق به پرخاشگری در مقابل یک شخص بی‌گناه را دارند (بوکلس و همکاران، ۲۰۱۳). دیگر محققان گزارش کرده‌اند که رابطه میان رفتارهای آزارگرانه و پرخاشگری رابطه‌ای، به شکل معناداری به وسیله جنسیت تعدیل می‌شود، به طوری که رابطه مثبت میان آزارگری و پرخاشگری رابطه‌ای، در مردان قوی‌تر از زنان است (اسچلمک، سیلورز و لنینفیلد^۴، ۲۰۰۸).

متغیر دیگر این پژوهش لذت از بداقبالی دیگران است. لذت از بداقبالی دیگران بیان‌کننده لذتی است که فرد از مشاهده بدبختی دیگران تجربه می‌کند، به‌ویژه زمانی که مشاهده‌کننده نقشی در بروز آن بدبختی ندارد (اسپیرز^۵، ۲۰۱۳). لذت از بداقبالی دیگران به‌عنوان یک هیجان و آزارگری به‌عنوان یک صفت شخصیتی، هر دو به شادی ناشی از بدبختی دیگران دلالت دارند. باوجوداین، اگرچه لذت از بداقبالی دیگران و آزارگری شباهت‌هایی دارند، اما لذت از بداقبالی دیگران عموماً هنگام تماشای بدشانسی‌ها و گرفتاری‌های کوچکی تجربه می‌شود که برای دیگران رخ می‌دهد و برخلاف آزارگری، لذت از بداقبالی دیگران در موقعیت‌هایی تجربه نمی‌شود که در آن بدبختی‌ها و ناکامی‌های شدید و بزرگی برای دیگران رخ می‌دهد (بنزی^۶، ۲۰۱۴). عواملی که می‌توانند بر بروز لذت از بداقبالی دیگران تأثیر بگذارند، عبارت‌اند از تنفر از فرد هدف، شایسته بدبختی دانستن او، حسادت به او، دوست‌یابی، افزایش عزت‌نفس خود و رقابت (جیمز، کاناواک، جوناسون^۷ و همکاران، ۲۰۱۴). علاوه بر این، تفاوت‌های فردی نیز با تجربه کردن لذت از بداقبالی دیگران رابطه دارند. به‌طور کلی، مردان نسبت به زنان لذت از

1. Eher, Schilling and Hansmann
2. Nguyen and Parkhill
3. Reidy, Zeichner and Seibert
4. Schmeelk, Sylvers and Lilienfeld
5. Spears
6. Ben Zeev
7. James, Kavanagh and Jonason

بداقبالی دیگران بیشتری را تجربه می‌کنند. پژوهش‌های مرتبط با این حیطه محدود است و در اندک پژوهش‌های انجام‌شده نقش لذت از بداقبالی دیگران در پیش‌بینی رفتارهای پرخاشگرانه گزارش شده است. اسپیرز (۲۰۱۳) گزارش کرد مردان هنگام مشاهده تصادف یک زن (تصادف غیر کشنده) در مقایسه با مشاهده تصادف یک مرد، لذت از بداقبالی دیگران بیشتری را تجربه می‌کنند. یافته‌های دیگر نشان می‌دهد که حسادت پرخاشگرانه با لذت از بداقبالی دیگران رابطه دارد (کیکارا و فیسک^۱، ۲۰۱۳). سایر محققان همبستگی پایا و قوی بین لذت از بداقبالی دیگران و احساسات خصمانه گزارش کردند (هارلی و وینر^۲، ۲۰۰۲). یافته‌های دیگر نیز نشان می‌دهد که لذت از بداقبالی دیگران با انگیزش برای صدمه زدن به آن‌ها مرتبط است (چستر و دی وال^۳، ۲۰۱۶).

در مجموع بر اساس یافته‌های بالا و سایر یافته‌های پژوهشی به نظر می‌رسد که باورهای خصومت‌آمیز علیه زنان شایع است و همواره به‌عنوان یک دغدغه و آسیب مطرح بوده است که طیف آن از جامع صنعتی تا جوامع عقب‌مانده متغیر است (نوابخش و خاقانی فرد، ۱۳۹۴). با توجه به نقش اساسی و سازنده زنان در پیشرفت مادی و معنوی یک جامعه ضروری است تا اهمیت زیادی برای سلامت جسمی و روانی این گروه قائل شد و پیش‌آیندهای احتمالی درگیر در رفتارهای خشونت‌بار علیه آن‌ها را شناسایی کرد. آنچه مسلم است تعیین اینکه کدام عامل در این بین نقش دارد، پیچیده به نظر می‌رسد. به عبارتی در یک چرخه معیوب خانوادگی عوامل متعددی دست‌به‌دست هم می‌دهند، یک دور باطل را ایجاد می‌کنند و این تداخل و همپوشانی به حادثه شدن مشکلات و مسائل زندگی خانوادگی منجر می‌شود. لذا آگاهی و اصلاح این روند معیوب جز به مدد پژوهش‌های بیشتر امکان‌پذیر نیست. آنچه مهم است این است که وضعیت سلامت زنان تأثیر مهمی بر سلامت کودکان، خانواده، جامعه و محیط‌زیست دارد؛ بنابراین، لزوم شناسایی پیش‌آیندهای باورهای خصومت‌آمیز و پژوهش‌هایی که با قطعیت بیشتری بتواند علل را شناسایی و در راه کاهش این پیش‌آیندهای گام‌های مؤثری ارائه کند، هنوز هم احساس می‌شود. این پژوهش بدین منظور و در راستای شناسایی و ارائه چشم‌انداز مطلوب‌تری و با هدف پاسخ‌گویی به این سؤال انجام می‌شود که آیا تمایلات

1. Cikara and Fiske
2. Hareli and Weiner
3. Chester and DeWall

دگرآزارانه معمول و لذت از بداقبالی دیگران در پیش‌بینی باورهای خصومت‌آمیز مردان علیه زنان نقش دارد؟

روش پژوهش

مطالعه حاضر توصیفی از نوع همبستگی بود و جامعه آماری آن را کلیه دانشجویان پسر متأهل دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بیرجند و دانشگاه بیرجند در سال تحصیلی ۹۷-۱۳۹۶ تشکیل داد. تعداد اعضای نمونه در این پژوهش ۳۸۴ نفر (حداکثر حجم ممکن بر اساس جدول کرجسی-مورگان، ۱۹۷۰) برآورد شد. برای انتخاب نمونه از روش نمونه‌گیری در دسترس استفاده شد. بدین ترتیب که ضمن حضور در دانشگاه و حضور در بخش‌های مختلف از جمله کلاس‌های درس، خوابگاه دانشجویان، سلف‌سرویس و... از دانشجویانی که اظهار می‌داشتند که متأهل هستند و حاضر به همکاری بودند، درخواست شد تا به پرسشنامه‌ها پاسخ دهند. از مجموع ۳۸۴ پرسشنامه توزیع شده ۳۵۶ پرسشنامه واجد ملاک‌های لازم برای تحلیل تشخیص داده شد.

ابزارهای اندازه‌گیری عبارت بودند از:

پرسشنامه لذت از بداقبالی دیگران: برای اندازه‌گیری لذت از بداقبالی دیگران از مقیاس لذت از بدبختی دیگران استفاده شد (وندیجیک، اورکرک، ونکونینگز براگن^۱ و همکاران، ۲۰۱۲). این مقیاس ۵ آیتم دارد و آیتم‌ها بر روی طیف لیکرت ۵ درجه‌ای از کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم درجه‌بندی می‌شود. پایایی به روش آلفای کرونباخ ۰/۹۵ برآورد شد. این مقیاس در پژوهش‌های دیگر نیز استفاده شده است (اسچامپ و لافرینیرر، ۲۰۱۶؛ اسپیرز، ۲۰۱۳). در این پژوهش برای تعیین روایی از روایی سازه (تحلیل عاملی اکتشافی) و برای تعیین پایایی ضریب آلفای کرونباخ به کار رفت. مقدار KOM و آزمون کرویت بارتلت (KOM=0.83) $\chi^2=1028.46$; $p<0.001$ مناسب نمونه را به منظور تحلیل عاملی اکتشافی تأیید کرد، تحلیل عاملی با روش مؤلفه‌های اصلی با چرخش واریماکس ساختار تک عاملی را استخراج کرد و این عامل ۶۹/۵۴ درصد از واریانس کل پرسشنامه را تبیین کرد. میزان آلفای کرونباخ برای پرسشنامه با ۵ سؤال ۰/۸۹ برآورد شد.

1. Van Dijk, Ouwerkerk and Van Koningsbruggen



پرسشنامه تمایلات آزارگرانه: پرسشنامه تمایلات آزارگرانه یک پرسشنامه ۱۸ سؤالی است و آیت‌های بر روی یک مقیاس ۷ درجه‌ای از کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم درجه‌بندی می‌شوند. نتایج تحلیل عاملی یک ساختار سه عاملی را استخراج کرد. این سه عامل عبارت هستند از آزارگری فیزیکی، آزارگری کلامی و آزارگری جانشینی. پایایی به شیوه آلفای کرونباخ برای خرده مقیاس‌های سه‌گانه به ترتیب ۰/۸۱، ۰/۸۰ و ۰/۸۲ و برای کل پرسشنامه ۰/۸۹ گزارش شد (بوکس و پلهوس، ۲۰۱۴). در این پژوهش برای تعیین روایی از روایی سازه (تحلیل عاملی اکتشافی) و برای تعیین پایایی ضریب آلفای کرونباخ به کار رفت. مقدار KOM و آزمون کرویت بارتلت (KOM=0.92) $\chi^2=4061.69$; $p<0.001$ مناسب نمونه را به منظور تحلیل عاملی اکتشافی تأیید کرد، تحلیل عاملی با روش مؤلفه‌های اصلی با چرخش واریماکس ساختار سه عاملی را استخراج کرد و این سه عامل روی هم رفته ۶۴/۱۲ درصد از واریانس کل پرسشنامه را تبیین کرد. میزان آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه با ۱۸ سؤال ۰/۹۱ و برای سه عامل آزارگری فیزیکی ۰/۷۴، آزارگری کلامی ۰/۸۶ و آزارگری مشاهده‌ای ۰/۸۹ برآورد شد. برای اندازه‌گیری باورهای خصومت‌آمیز مردان علیه زنان از چهار پرسشنامه استفاده شد.

باورهای خصومت‌آمیز علیه زنان: پرسشنامه باورهای خصومت‌آمیز علیه زنان یک پرسشنامه ۱۰ آیتی است و آیت‌ها بر روی یک مقیاس ۵ درجه‌ای از ۱ - ۵ درجه‌بندی می‌شوند. این پرسشنامه را چک، مالموس، الیاس^۱ و همکاران (۱۹۸۵) با ۱۹ آیت طراحی کرده‌اند و لانسوی و همکاران (۱۹۹۵) آن را بازنگری کردند. نتایج تحلیل عاملی اکتشافی لانسوی^۲ و همکاران (۱۹۹۵) یک ساختار تک عاملی با ۱۰ آیت استخراج کرد و همبستگی آیت-نمره کل در دامنه ۰/۳۳ تا ۰/۷۷ قرار گرفت. به علاوه میزان آلفای کرونباخ این پرسشنامه ۰/۸۳ گزارش شد. در این پژوهش برای تعیین روایی از روایی صوری و برای تعیین پایایی ضریب آلفای کرونباخ به کار رفت. میزان آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه با ۱۰ سؤال ۰/۸۷ برآورد شد.

برای بررسی فرضیه‌های پژوهش از ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چندگانه و نرم‌افزار SPSS-24 استفاده شد.

1. Check, Malamuth and Elias
2. Lonsway and Fitzgerald

یافته‌های پژوهش

میانگین سن شرکت‌کننده‌ها $25/95 \pm 5/19$ بود. از مجموع ۳۵۶ نفر ۱۰ نفر (۲/۸۱ درصد) زیر ۲۰ سال، ۲۳۰ نفر (۶۴/۶۱ درصد) ۲۰ - ۳۰ سال، ۹۶ نفر (۲۶/۹۶ درصد) ۳۰ - ۴۰ سال و ۲۰ نفر (۵/۶۲ درصد) بالای ۴۰ سال سن داشتند. همچنین ماتریس همبستگی، میانگین و انحراف استاندارد مربوط به متغیرهای لذت از بداقبالی دیگران، تمایلات آزارگرانه و باورهای خصومت‌آمیز در جدول ۲ ارائه شده است. قبل از تحلیل داده‌ها، متغیرهای پژوهش به منظور احتمال تخطی از کدگذاری، مفروضه‌های آماری، اندازه‌های از دست‌رفته و داده‌های پرت غربال‌گری شدند. آزمون کولموگروف-اسمیرنوف نشان داد هیچ‌یک از متغیرهای پژوهش از مفروضه نرمال بودن تخطی ندارند (جدول ۱). مفروضه استقلال باقیمانده‌ها به کمک آماره دوربین و اتسون و بررسی هم خطی چندگانه متغیرهای مستقل به کمک عامل تورم واریانس^۱ و شاخص تولورانس^۲ بررسی شد. مقدار آماره دوربین حاکی از عدم تخطی از مفروضه استقلال باقیمانده‌ها است. همچنین مقدار عامل تورم واریانس و شاخص تولورانس عدم هم خطی بودن چندگانه را نشان داد (جدول ۳).

جدول ۱: بررسی مفروضه نرمال بودن متغیرهای پژوهش

| آزمون کولموگروف اسمیرنوف برای نرمال بودن | | |
|--|------------------|------------------------|
| آماره | سطح معناداری (p) | |
| ۰/۰۵۰ | ۰/۳۲۹ | لذت از بداقبالی دیگران |
| ۰/۰۴۸ | ۰/۴۲۱ | آزارگری فیزیکی |
| ۰/۰۵۵ | ۰/۱۱۲ | آزارگری کلامی |
| ۰/۰۵۰ | ۰/۳۲۹ | آزارگری مشاهده‌ای |
| ۰/۰۵۲ | ۰/۱۸۹ | باورهای خصومت‌آمیز |

در جدول ۲ ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش ارائه شده است. بیشترین مقدار همبستگی بین آزارگری فیزیکی و آزارگری مشاهده‌ای مشاهده شد، این همبستگی مثبت و در سطح آلفای ۰/۰۱ معنادار است ($p < 0/01$). به علاوه کم‌ترین همبستگی بین آزارگری فیزیکی و لذت از بداقبالی دیگران مشاهده می‌شود، این همبستگی نیز مثبت و معنادار است ($p < 0/01$).

1. variance inflation factor
2. tolerance index

جدول ۲: ماتریس همبستگی، میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای پژوهش

| متغیر | لذت از بداقبالی دیگران | آزارگری فیزیکی | آزارگری کلامی | آزارگری مشاهده‌ای | باورهای خصومت‌آمیز |
|------------------------|------------------------|----------------|---------------|-------------------|--------------------|
| لذت از بداقبالی دیگران | ۱ | | | | |
| آزارگری فیزیکی | ۰/۲۱** | ۱ | | | |
| آزارگری کلامی | ۰/۲۷** | ۰/۵۸** | ۱ | | |
| آزارگری مشاهده‌ای | ۰/۲۴** | ۰/۳۷** | ۰/۴۵** | ۱ | |
| باورهای خصومت‌آمیز | ۰/۳۰** | ۰/۳۶** | ۰/۳۷** | ۰/۳۳** | ۱ |
| میانگین | ۶/۴۹ | ۱۰/۸۶ | ۵/۹۷ | ۸/۱۰ | ۱۶/۵۶ |
| انحراف استاندارد | ۲/۵۹ | ۳/۱۷ | ۲/۹۵ | ۳/۲۰ | ۶/۳۵ |

همبستگی‌های ** در سطح آلفای ۰/۰۱ و همبستگی‌های * در سطح آلفای ۰/۰۵ معنی‌دار است.

برای پیش‌بینی باورهای خصومت‌آمیز مردان علیه زنان از طریق تمایلات دگرآزارانه معمول و لذت از بداقبالی دیگران از تحلیل رگرسیون چندگانه با روش گام‌به‌گام استفاده شد (جدول ۳).

جدول ۳: نتایج تحلیل رگرسیون باورهای خصومت‌آمیز مردان علیه زنان از طریق تمایلات دگرآزارانه معمول و لذت از بداقبالی دیگران

| متغیر ملاک | متغیر پیش‌بین | R | RS | F | β | t | P | تولورانس | عامل تورم واریانس | دوربین واتسون |
|--------------------|----------------|------|------|-------|---------|------|-------|----------|-------------------|---------------|
| باورهای خصومت‌آمیز | آزارگری فیزیکی | ۰/۴۰ | ۰/۱۶ | ۶۵/۲۹ | ۰/۲۹ | ۵/۱۸ | ۰/۰۰۱ | ۰/۷۵ | ۱/۳۳ | ۱/۸۴ |
| | آزارگری کلامی | ۰/۴۴ | ۰/۱۹ | ۴۱/۷۳ | ۰/۲۲ | ۳/۹۴ | ۰/۰۰۱ | ۰/۷۵ | ۱/۳۳ | |

نتایج تحلیل رگرسیون باورهای خصومت‌آمیز نشان داد که مدل اول (آزارگری فیزیکی) ۱۶ درصد از واریانس مشاهده‌شده در این متغیر را توجیه می‌شود ($R^2 = ۰/۱۶$). اضافه شدن مدل ۲ (آزارگری کلامی) باعث افزوده شدن ۳ درصد به واریانس قبلی می‌شود، بدین ترتیب دو مدل روی هم ۱۹ درصد از واریانس باورهای خصومت‌آمیز را تبیین می‌کنند ($R^2 = ۰/۱۹$). اگر آزارگری فیزیکی و آزارگری کلامی به‌اندازه یک واحد افزایش یابند، این

تغییر به ترتیب به اندازه ۰/۲۹ و ۰/۲۲ نمرات باورهای خصومت‌آمیز را افزایش می‌دهد.

بحث و نتیجه‌گیری

مطابق با یافته‌های پژوهش مشخص شد که رابطه معناداری بین تمایلات دگرآزارانه معمول و لذت از بداقبالی دیگران با باورهای خصومت‌آمیز مردان علیه زنان وجود دارد. به‌علاوه مشخص شد که آزارگری فیزیکی و آزارگری کلامی (مؤلفه‌های تمایلات دگرآزارانه) در پیش‌بینی باورهای خصومت‌آمیز مردان علیه زنان نقش دارد.

یافته‌های مربوط به ارتباط تمایلات دگرآزارانه معمول با باورهای خصومت‌آمیز با اندک مطالعات انجام‌شده در این مورد همسو است (راشل، دوان و کینگ^۱، ۲۰۱۷؛ گریتمیر و ساگوگلیو، ۲۰۱۷؛ محمدخانی، آزادمهر و متقی، ۱۳۸۹). آزارگری به‌عنوان دامنه‌ای از شناختارها و رفتارهای مرتبط با تحریک هیجان جنسی از طریق ضربه زدن و ایجاد درد فیزیکی یا هیجانی تعریف‌شده است (انجمن روان‌پزشکی آمریکا^۲، ۲۰۱۳). افراد با آزارگری بالا نه تنها از مشاهده درد فیزیکی در دیگران، بلکه از مشاهده شکست اجتماعی و سقوط افراد نیز لذت می‌برند (اسچامپ و لافرینیرر، ۲۰۱۶). در تأیید چنین نتایجی گزارش شده است که آزارگری و سایکوپاتی به لحاظ تئوریک، بالینی و تجربی با خشونت جنسی و غیرجنسی مرتبط هستند (رابرتسون و نایت^۳، ۲۰۱۴). راشل، دوان و کینگ (۲۰۱۷) گزارش کردند که صفات شخصیتی ناهنجار و تمایلات دگرآزارانه معمول نگرش‌های جنسی رقابتی را پیش‌بینی می‌کنند. همچنین گزارش شده است که شاخص‌های رفتاری آزارگری جنسی با تشخیص قطعی آزارگری و پیش‌بینی پرخاشگری جنسی علیه زنان مرتبط است (هیلی، لوسیر و بوورگارد^۴، ۲۰۱۲). همسو با این یافته‌ها مشخص شده است احتمال اینکه افراد دارای تمایلات دگرآزارانه معمول به انجام بازی‌های ویدیویی خشن اقدام کنند، بیشتر از سایر افراد است (گریتمیر و ساگوگلیو، ۲۰۱۷). محمدخانی، آزادمهر و متقی (۱۳۸۹) گزارش کردند که پرخاشگری روان‌شناختی با احتمال افزایش تحمیل جنسی به زنان همراه است. در مجموع این نتایج همسو با یافته‌های پیشین

1. Russell, Doan and King
2. American Psychiatric Association
3. Robertson and Knight
4. Healey, Lussier and Beauregard



نشان می‌دهد که تمایلات دگرآزارانه معمول لذت بردن از رنج دیگران را پیش‌بینی می‌کند، مبتلایان به تمایلات دگرآزارانه معمول وقت و زمان زیادی را برای آسیب‌زدن و تجاوز به یک فرد بی‌گناه صرف می‌کنند (بوکلس و همکاران، ۲۰۱۳) و احتمال بیشتری دارند تا نزدیکان و همکاران خود را مجازات کنند (پاتیچیر و اسچیندلر^۱، ۲۰۱۵). در تبیین چنین یافته‌هایی مدل تلاقی پیشنهاد شده است. مدلی تلاقی مدلی چندعاملی با دو سازه یعنی مردانگی خصومت‌آمیز و میل جنسی اجتماعی نامحدود است که تجاوز جنسی را پیش‌بینی می‌کنند. میل جنسی اجتماعی نامحدود به عنوان عامل خشونت به چالش کشیده شده است، در مقابل مردانگی خصومت‌آمیز به شکل مستحکمی با خشونت رابطه دارد (دبوسکا، بادوزک، دینگرا^۲ و همکاران، ۲۰۱۵). مردانگی خصومت‌آمیز دو مؤلفه دارد که عبارت‌اند از خصومت نسبت به زنان و پذیرش باورهای اسطوره‌ای تجاوز. خصومت نسبت به زنان بیان‌کننده الگوهای پاسخ پرخاشگرانه و از روی بدگمانی نسبت به زنان است. پذیرش باورهای اسطوره‌ای تجاوز نیز بیان‌کننده پافشاری بر باورهای قدیمی درباره تجاوز به زنان است. این باورهای اسطوره‌ای شامل باور به این مسأله است که زنان با ترغیب مردان از طریق رفتارهایشان خود مسبب تجاوز می‌شوند و مردان اغلب به این دلیل که اشتیاق قوی‌تری به سکس دارند، به زنان تجاوز می‌کنند (راشل و کینگ، ۲۰۱۷). این کلیشه‌های جنسیتی مانع شکوفایی همه‌جانبه احساسات و انسانیت مردان می‌شود و باعث می‌شود تا هر چه بیشتر به سمت خشونت، رقابت، پرخاشگری، بی‌اعتنایی و بی‌احساسی پیش روند (سفیری و منصوریان راوندی، ۱۳۹۴). مدل‌های دیگر تبیین‌کننده ارتباط تمایلات دگرآزارانه معمول با خصومت مردانه، تمایزهای دیگر رامیان مردان آزارگر و غیر آزارگر به کار می‌برند نظیر اینکه چنین مردانی دارای صفات اجتماعی جنسی و سلطه‌گری هستند (چاتزل-مورفی، هریس، نایت و همکاران، ۲۰۰۹). چنین مردانی در محیط‌های فرهنگی اجتماعی خاصی زندگی می‌کنند که حاکمیت مردان بر زنان طبیعی در نظر گرفته می‌شود و پرخاشگری و تسلط به عنوان یک ویژگی مردانه و فرمان‌برداری به عنوان یک ویژگی زنانه مطرح شده است (شریعت و منشی، ۱۳۹۶). به نظر می‌رسد این دیدگاه‌ها محصول زندگی در فرهنگ‌های پدرسالارانه و حامی تجاوز است. در نظر گرفتن روابط

-
1. Pfattheicher and Schindler
 2. Debowska, Boduszek and Dhingra

بین فردی به عنوان روابطی مبارزه طلبانه احتمالاً برقراری روابط صادقانه میان دو شریک را تحت تأثیر قرار می دهد و به بروز رفتارهای خشن میان آن ها منجر می شود (بوفارد، بوفارد و میلر^۱، ۲۰۱۶).

یافته های مربوط به ارتباط لذت از بداقبالی دیگران با باورهای خصومت مردان با دیگر یافته ها همسو است (اسپیرز، ۲۰۱۳؛ کیکارا و فیسک، ۲۰۱۳؛ هارلی و وینر، ۲۰۰۲؛ چستر و دی وال، ۲۰۱۶). آن گونه که اشاره شد، لذت از بداقبالی دیگران بیان کننده لذتی است که فرد از مشاهده بدبختی دیگران، به ویژه زمانی تجربه می کند که مشاهده کننده نقشی در بروز آن بدبختی ندارد (اسچامپ و لافرینیرر، ۲۰۱۶). اگرچه لذت از بداقبالی دیگران مفهومی منفی را در خود جای داده است، اما محققان معتقدند که لذت از بداقبالی دیگران مسأله ای فطری در موجودات اجتماعی است (وندیجک و همکاران، ۲۰۱۲). این امکان وجود دارد که فرد از بدبختی دیگران به عنوان یک تاکتیک تأثیر اجتماعی - نظیر استفاده از بدبختی دیگران به عنوان ابزار مقایسه اجتماعی به منظور تأثیر گذاشتن بر افراد پیرامون خود - استفاده کند (جوناسون و وبستر^۲، ۲۰۱۰). این افراد عموماً به احساسات فردی که بدبختی را تجربه کرده است، توجهی نمی کنند، زیرا بیشتر در فکر آن هستند که چگونه می توانند از این موقعیت به سود خود استفاده کنند (جیمز و همکاران، ۲۰۱۴). این کار به فرد اجازه می دهد تا خود را در موقعیتی بالاتر ببیند. به علاوه مشاهده بدبختی دیگران می تواند فرصتی را در اختیار فرد قرار دهد تا احساس خودارزشمندی را در خود ایجاد کرده، تداوم بخشیده و افزایش دهد و بنابراین، تجربه کردن لذت از بداقبالی دیگران می تواند به عنوان یک مسأله نسبی اجتماعی در نظر گرفته شود (بن زی، ۲۰۱۴). این رفتار موجب آن می شود که فرد یا احساس آرامش و تسلی خاطر کند یا این بدبختی را نوعی انتقام از فرد هدف بداند (۱۳). در تأیید چنین یافته هایی مشخص شده است که افراد با تهدید ناشی از خودارزیابی، عزت نفس پایین و احساس حقارت بین گروهی هنگام مشاهده بدبختی دیگران لذت بیشتری را تجربه می کنند (برامبلا و ریوا^۳، ۲۰۱۷). افراد احساس لذت می کنند، زیرا مشاهده بدبختی دیگران این فرصت را برای فرد فراهم می آورد تا مقایسه های سودمندی را انجام دهد و این مقایسه ها خودارزیابی های مثبت

-
1. Bouffard, Bouffard and Miller
 2. Jonason and Webster
 3. Brambilla and Riva

فرد را افزایش می‌دهد و هیجانانگیز درآورد مرتبط با حسادت را کاهش می‌دهد (وندیچک، اورکرک، اسمیت و همکاران، ۲۰۱۵).

در تبیین ارتباط لذت از بداقبالی دیگران با خصومت مردانه رویکرد تکاملی و به‌طور خاص تئوری سرمایه‌گذاری والدین، لذت از بداقبالی دیگران را به‌عنوان یک مکانیزم روان‌شناختی فرض می‌کند که به افراد کمک می‌کند تا بر مشکلات مرتبط با رقابت جنسی فائق آیند. لذت از بداقبالی دیگران در روابط بین فردی، ممکن است شکلی دیگر به خود بگیرد، زیرا این شکل متفاوت می‌تواند به حل یکی از مشکلات انطباقی در زناشویی کمک کند که عبارت از برآورد ارزش زناشویی فرد در مقابل دیگران است؛ بنابراین، لذت از بداقبالی دیگران می‌تواند به‌عنوان مکانیسمی روان‌شناختی در نظر گرفته شود که تا اندازه‌ای تحول‌یافته است تا ارزش زناشویی نسبی فرد را اندازه‌گیری کند و متعاقباً، مشکلات مرتبط با رقابت میان فردی برای به دست آوردن شریک جنسی از جنس مخالف را حل کند (کولین^۱، ۲۰۰۷).

با این حال این پژوهش با محدودیت‌هایی مواجه بود؛ منابع و ادبیات پژوهشی مربوط به باورهای خصومت‌آمیز محدود و بیشتر پژوهش‌های انجام‌شده در این مورد بر خشونت علیه زنان متمرکز شده‌اند. در این پژوهش جهت‌گیری‌های جنسی و سنی مدنظر قرار نگرفت. در پژوهش‌های آتی جهت‌گیری‌های سنی و جنسی لحاظ شود و روابط بین متغیرها جداگانه برحسب جنس و سن بررسی شود. نتایج به‌دست‌آمده از پژوهش‌های مختلف نشان می‌دهد که متغیرهای جمعیت‌شناختی نظیر جنسیت، سن و نژاد در بروز خشونت و ارتکاب جرم نقش دارند. برای مثال والترز^۲ (۲۰۰۳) نشان داد که سن رابطه‌ای منفی با تفکر جرم‌زا دارد. در پژوهش‌های آتی در جمع‌آوری داده‌ها از رویکردهای ترکیبی (چند روشی) استفاده شود. تولین، فراست و استکتی^۳ (۲۰۱۰) معتقدند که در جمع‌آوری داده‌ها رویکردهای ترکیبی در مقایسه با روش‌های خود گزارش دهی رواتر و قابل‌اعتمادترند. این یافته‌ها کاربردهایی در زمینه ارزیابی و درمان مشکلات زناشویی به‌صورت زیر دارد: با توجه به ارتباطی که بین تمایلات دگرآزارانه معمول و لذت از بداقبالی دیگران با باورهای خصومت‌آمیز مردان علیه زنان وجود دارد، می‌توان از طریق تعدیل این پیش‌آیندها باورهای خصومت‌آمیز را کاهش داد.

1. Colyn
2. Walters
3. Tolin, Frost and Steketee

یافته‌های پژوهش حاضر نشان‌دهنده نقش تمایلات دگرآزارانه معمول و لذت از بداقبالی دیگران در باورهای خصومت‌آمیز مردان علیه زنان است؛ بنابراین، در نظر گرفتن نقش این متغیرهای پیش‌بین توسط متخصصان، درمانگران و برنامه‌ریزان به هنگام کار با دانشجویان و به‌طور خاص در مراکز مشاوره‌ای و درمانی ضروری به نظر می‌رسد.

سپاسگزاری

از کلیه مسئولان محترم دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بیرجند و دانشگاه بیرجند و همچنین تمامی دانشجویان شرکت‌کننده در این پژوهش صمیمانه تقدیر و تشکر می‌شود. شایان ذکر است که این مقاله مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بیرجند است. از این‌رو، از زحمات کلیه مسئولان دانشگاه و به‌طور خاص معاونت پژوهشی سپاسگزاریم.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



منابع

- خاقانی فرد، میترا (۱۳۹۰). بررسی نقش خشونت علیه زنان، جامعه‌پذیری جنسیتی و سرمایه‌های اجتماعی در پیش‌بینی سلامت روان گروهی از زنان شهر تهران. *فصلنامه مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان*، ۹(۲): ۵۵-۸۰.
- سفیری، خدیجه و منصوریان راوندی، فاطمه (۱۳۹۴). کلیشه‌های جنسیتی و سلامت اجتماعی مطالعه مردان و زنان در تهران. *فصلنامه مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان*، ۱۳(۲): ۳۷-۶۶.
- شایان، آرزو، معصومی، زهرا و کاویانی، معصومه (۱۳۹۳). بررسی رابطه همسر آزاری و سلامت روانی در زنان دچار خشونت خانگی ارجاع شده به پزشکی قانونی شهر شیراز. *مجله آموزش و سلامت جامعه*، ۱(۴): ۵۱-۵۷.
- شریعت، سهیلا و منشی، غلامرضا (۱۳۸۶). الگوی پیش‌بینی خشونت‌های خانگی علیه زنان بر اساس رگه‌های شخصیتی و سابقه کودک‌آزاری همسران در شهر اصفهان. *سلامت اجتماعی*، ۴(۲): ۹۰-۹۸.
- عاطف وحید، محمدکاظم، قهاری، شهربانو، زارعی دوست، الهام، بوالهروی، جعفر و کریمی کیسمی، عیسی (۱۳۸۹). نقش ویژگی‌های جمعیت‌شناختی و روان‌شناختی در پیش‌بینی خشونت در قربانیان همسر آزاری شهر تهران. *مجله روان‌پزشکی و روانشناسی بالینی ایران*، ۱۶(۴): ۴۰۳-۴۱۱.
- محمدخانی، پروانه، آزادمهر، هدیه و متقی، شکوفه (۱۳۸۹). رابطه خشونت جنسی و نگرش‌های زناشویی و همراهی انواع خشونت در روابط زناشویی. *مجله روان‌پزشکی و روانشناسی ایران*، ۱۶(۳): ۱۹۵-۲۰۲.
- نوابخش، مهرداد و خاقانی فرد، میترا (۱۳۹۴). مطالعه جامعه‌شناختی خشونت علیه زنان ازدواج‌کرده ایرانی و ارمنستانی. *فصلنامه مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان*، ۱۳(۴): ۶۴-۹۱.

- Ahmadi, Kh., Azad Marzabadi, E. and Mullah Zamani, Ali. (2005). This is the Internet version of the Internet and the Internet version of the User's Guide. *Soccer Military Medicine*, 7 (2): 152-141. text persian
- Allport, G. W. (1955). *Becoming: Basic considerations for a psychology of personality*. New Haven, CT: Yale University Press.
- Bakhshi Pour Rudsari, A. (2008). Relationship between life satisfaction, problem solving style and religious attitude with mental health, *Journal of Psychology, Tabriz University*, 3: 19-1 (Text in Persian).
- Beta, M. and Jafari Harandi, R. (2018). Life satisfaction prediction based on personality traits and defense mechanisms, *Journal of Social Psychological Studies of Women*, 16 (1): 150-111 (Text in Persian).
- Brown, P. H. and Tierney, B. (2009). "Religion and Subjective Well-Being among Elderly in China", *Journal of Socio-Economics*, 38: 310-319.
- Burton, N.W., Pakenham, K.I. and Brown, W.J. (2010). Feasibility and effectiveness of psychosocial resilience training: A pilot study of the READY program. *Psychology, Health & Medicine*, 15(3): 266-277. DOI: 10.1080/13548501003758710.
- Cho, E-H., Lee, D-G., Lee, G. H., Hoon Bae, B. and Jeong, S. M. (2014). Meaning in Life and School Adjustment: Testing the Mediating Effects of Problem-focused Coping and Self-acceptance. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 114: 777-781.
- Denckla, M.B. (2003). ADHD: Topic update. *Brain and Development children Assessment*, 5, 215-26.
- Dennis, J.P. and Vander Wal, J.S. (2010). The cognitive flexibility inventory: Instrument development and estimates of reliability and validity. *Journal of cognition therapy research*, 34: 241-53.
- Diener, E. E., Sun, M., Lucas, R. E. and Smith, H. L. (1999). Subjective well-being: Three decades of progress. *Psychological Bulletin*, 125: 276-302.
- Diener, E. and Sah, E. M. (1985). Saving quality of life. *Journal of economic, social and subjective indicators*, 4: 189-216.
- Doğan, T., Sapmaz, F., Dilek Tel, F., Sapmaz, S. and Temizel, S. (2012). Meaning in Life and Subjective Well-Being among Turkish University Students. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 55: 612-617.
- Elkins, D. N., Hedstrom, L. J., Hughes, L. L., Leaf, J. A. and Saunders, C. (1988). Towards a humanistic phenomenological spirituality: Definition, description and measurement. *Journal of Humanistic Psychology*, 28, 5-18.



- Farach, Frank J., Mennin, Douglas S., Smith, Rita L. and Mandelbaum, Matthew. (2008). The Impact of Pretrauma Analogue GAD and Posttraumatic Emotional Reactivity Following Exposure to the September 11 Terrorist Attacks: A Longitudinal Study. *Behavior Therapy*, 39(3): 262-276. doi: <http://dx.doi.org/10.1016/j.beth.2007.08.005>
- Fledderus, M., Bohlmeijer, E. T. and Pieterse, M. E. (2010). Does experiential avoidance mediate the effects of maladaptive coping styles on psychopathology and mental health? *Behav Modif*, 34(6): 503-519. doi: 10.1177/0145445510378379
- Fordyce, M. W. (1977). "The Happiness Measure: A Sixty Second Index Of Emotional Well", *Being and Mental Health*, USA: Edison Community Press.
- Frankl, V.E. (1984). *Man's search for meaning* (3rd ed.). New York: Simon & Schuster.
- Gan, Y., Liu, Y. and Zhang, Y. (2004). Flexible coping responses to severe acute respiratory syndrome-related and daily life stressful events. *Asian Journal of Social Psychology*, 7: 55-66.
- Ghobari Bonab, B., Mutualipour, A., Hakimi Rad, E. and Habibi Askar Abadi, M. (2009). Relationship between Anxiety and Depression with Spirituality in Tehran University Students. *Journal of Applied Psychology*, 3 (2): 123-110 (Text in Persian).
- Gholami, M., Pasha, GR. and Sudan, M. (2009). The effectiveness of group therapy Bramey meaning to life and the general health of female patients with thalassemia. *Knowledge and Research in Applied Psychology*, Islamic Azad University Khorasgan. 42, 45-25.
- Gruber, J. (2005). "Religious Market Structure, Religious Participation, and Outcomes: Is Religion Good for You?", *NBER Working Paper*, no.11377.
- Hadian Far, H. (2005). Mental feeling of welfare and religious activities in a group of Muslims, *Journal of Psychiatry and Clinical Psychology of Iran (Thought and Behavior)*, 11: 232-224 (Text in Persian).
- Haglund, M. E. M., Nestadt, P. S., Cooper, N. S., Southwick, S. M. and Charney, D. S. (2007). Psychobiological mechanisms of resilience: Relevance to prevention and treatment of stress-related psychopathology. *Development and Psychopathology*, 19: 889-920.
- Hahn, E., Johnson, W. and Spinath, F. M. (2013). Beyond the heritability of life satisfaction—The roles of personality and twin-specific influences. *Journal of Research in Personality*, 47(6): 757-767.
- Harris, A. H. and Standard, S. (2001). Psychometric properties of the Life Regard

- Index-Revised: A validation study of a measure of personal meaning. *Psychological Reports*, 89(3): 759-773.
- Hayes, S. C., Luoma, J. B., Bond, F. W., Masuda, A. and Lillis, J. (2006). Acceptance and commitment therapy: model, processes and outcomes. *Behaviour research and therapy*, 44(1): 1-25. doi: 10.1016/j.brat.2005.06.006
- Jowkar, B. (2007). The mediating role of resilience in the relationship between general and emotional intelligence and life satisfaction.
- Kapteyn, A. and Smith, P. (2009). *James & Arthur van Soest; Life Satisfaction*. Discussion Paper No.
- Keshavarz, A., Mehrabi, H.A. and Soltanizadeh, M. (2009). Psychological Predictors of Life Satisfaction, *Evolutionary Psychology*, 22: 168-159(Text in Persian).
- King, L. A., Hicks, J. A., Krull, J. L. and Del Gaiso, A. K. (2006). Positive affect and the experience of meaning in life. *Personality and Social Psychology*, 90(1): 179-196.
- Krause, N. (2003). Religious Meaning and Subjective Well-Being in Late Life, *Journal of Gerontology: Social Sciences*, 58(3): 160-170.
- Lelkes, O. (2006). "Tasting Freedom: Happiness, Religion and Economic Transition", *Journal of Economic Behavior and Organization* 59: 173-194.
- MacDonald, D. A. (2011). Spiritual identity: Individual perspective. In S. J. Schwartz, K. Luyckx, & V. L. Vignoles (Eds.), *Handbook of identity theory and research*, (pp. 531-544), New York: Springer.
- Maltby, J., Day, L., McCutcheon, L. E., Gillett, R., Houran, J. and Ashe, D. D. (2004). Personality and coping: A context for examining celebrity worship and mental health. *British Journal of Psychology*, 95(4): 411-428.
- Marashi, S. A., Mehrabian, T. and Muslim, M. (2016). The Relationship between Personality Characteristics and Spiritual Intelligence with Life Satisfaction in Employees of an Industrial Company in Ilam, *Journal of Military Sciences*, 3 (1): 55-48(Text in Persian).
- Maslo, A. H. (1970). *Religion, values, and peak experiences*. New York: Viking Press.
- Mehmood, T. and Shaukat, M. (2014). Life satisfaction and psychological well-being among young adult female university students. *International Journal of Liberal Arts and Social Science*, 2(5):143-53.
- Myers, D. G. (2000). "The Funds, Friends, and Faith of Happy People", *American Psychologist*, 55(1): 56-67.

- Myers, D. G. and Diener, E. (1995). Who is happy?. *Psychological science*, 6(1): 10-19.
- Nasiri, H. and Jokar, B. (2008). Significance of life, hope, life satisfaction and mental health in women, *Journal of Women's Research*, 6 (2): 176-157(Text in Persian).
- Nazoktabar, H., Hosseini, S.Z. and Babae, E. (2016). An Analysis of the Relationship between Spiritual Health, Attitudes toward Marriage, Relationships and Marital Engagement of Married Women, *Journal of Social Psychological Studies*, Women, 14 (3): 114-93(Text in Persian).
- Pavot, W. E. Diener and E. Suh (1998), "The Temporal Satisfaction with Life Scale, *Journal of Personality Assessment* 70: pp.340-354.
- Pavot, W. and E. Diener (1993). "The Affective and Cognitive Context of Self-Reported Measures of Subjective Well-Being", *Social Indicators Research* 28: 1-20.
- Phillips, E.L. (2011). *Resilience, mental flexibility and cortisol response to the Montreal Imaging Stress Task in unemployed men*. Michigan, the University of Michigan.
- Salariyah, S., Roshan, R. and Moghadasin, M. (2016). Five major factors of personality and defense mechanisms in predicting the quality of life of women with sexual dysfunction, *behavioral and cognitive science research*, 5 (1): 50-37. (Text in Persian).
- Sawatzky, R.; P. A. Ratner and L. Chiu (2005). "A Metaanalysis of Relationship between Spirituality and Quality of Life", *Social Indicators Research* 72: 153-188.
- Shakerinia, I. (2009). Relationship and significant between social capital and mental health and life of spouse abused women. *Women and Health*, 2: 66-47.
- Shelley A., Fahlman Kimberley B., Mercer, P. G., Adrienne, E. Eastwood and John D. Eastwood. (2009). Does a Lack of Life Meaning Cause Boredom? Results from Psychometric, Longitudinal, and Experimental Analyses. *Journal of Social and Clinical Psychology*, 28(3): 307-340.
- Shi, M., Wang, X., Bian, Y. and Wang, L. (2015). The mediating role of resilience in the relationship between stress and life satisfaction among Chinese medical students: a cross-sectional study. *BMC medical education*, 15(1): 16.
- Soydemir, G. A.; E. Bastida and G. Gonzalez (2004), "The Impact of Religiosity on Self Assessments of Health and Happiness: Evidence from the U.S. Southwest", *Applied Economics* 36: 665-672.
- Swinyard, W. R.; A. K. Kau and H. Y. Phua (2001), "Happiness, Materialism, and

Religious Experience in the U.S. and Singapore", *Journal of Happiness Studies* 2: 13-32.

- Westin, Vendela, Hayes, Steven C. and Andersson, Gerhard. (2008). Is it the sound or your relationship to it? The role of acceptance in predicting tinnitus impact. *Behaviour Research and Therapy*, 46(12): 1259-1265. doi: <http://dx.doi.org/10.1016/j.brat.2008.08.008>
- Zare, B. and Safiari Jafarabad, H. (2015). A Study on the Relationship between Factors Affecting Marital Satisfaction among Married Women and Men in Tehran, *Journal of Social Psychological Studies in Women*, 13 (1): 140-111(Text in Persian).
- Zong, J. G., Cao, X. Y., Cao, Y., Shi, Y. F., Wang, Y. N. and Yan, C. (2010). Coping flexibility in college students with depressive symptoms. *Health and Quality of Life Outcomes*, 8 (66): 1-6.
- Zulling, K. J.; R. M. Ward and T. Horn (2006), "The Association between Perceived Spirituality, Religiosity and Life Satisfaction: the Mediating Role of Self-Rated Health", *Social Indicators Research* 79:255-274.



The role of everyday sadism and schadenfreude in predicting hostile masculine beliefs

Shima Bahdani

M.A in Clinical Psychology, Birjand Branch, Islamic Azad
University, Birjand, Iran

Ghasem Ahi*

Assistant Professor, Department of Psychology, Birjand Branch, Islamic
Azad University, Birjand, Iran

Abstract

This study aimed to investigate the role of everyday sadism and Schadenfreude in predicting of hostile masculine beliefs against women. In this correlational study, among all male students of Birjand University of Medical Sciences, Islamic Azad University, Birjand Branch and University of Birjand in the academic year of 2017-2018, 356 students were selected by available sampling method. Instruments included Schadenfreude Inventory (5 items), Sadistic tendencies Scale (18 items) and Hostility Toward Women Scale (10 items). Data were analyzed by using either SPSS- 24 software or Pearson correlation coefficient and multiple regression analysis. Findings showed that there is a relationship between everyday sadism and Schadenfreude with hostile masculine beliefs against women. The highest correlation was observed between physical sadism and vicarious sadism ($p < 0.01$) and the least correlation was observed between physical sadism and Schadenfreude ($p < 0.01$). In addition, the findings showed that physical sadism and verbal sadism account for over 19% of the variance of hostile beliefs ($R^2 = 0.16$). The findings of the present study showed the roles

¹.Corresponding author: Ahigh1356@yahoo.com
Submit Date: 2018-8-4 Accept Date: 2018-12-7
DOI: 10.22051/JWSPS.2019.21524.1797



of everyday sadism and Schadenfreude in predicting of hostile masculine beliefs against women. Therefore, considering the role of these predictive variables by experts, therapists and planners seem to be necessary when working with students, and particularly in counseling and therapeutic centers.

Keywords

everyday sadism, schadenfreude, hostile masculine beliefs

